



# چگونه می توان میان جوان و نماز پیوند آفرید؟

دکتر محمد رضا ستگری

سخن بر سر این است که چگونه می توان میان جوان و نماز و به دیگر زبان، میان دو زیبایی، پیوند و یگانگی آفرید. پرسش جدی این است که چرا در نسلی که به دلیل «زیبایی جویی» نمی تواند از کنار زیبایی روح (نماز) ساده بگذرد، اقبال و استقبال و نشاط نماز نمی بینیم؟ درست تر و راست تر آن است که روح عریان نماز که تماشاکه همه رمز و رازها و زیبایی هاست، هنوز در معرض

هستی زیباست؛ همراه با تقارن ها، تناسب ها و هندسه شگفت و چشم نوازی که تأمل و تفکر در آن روح و جان را به شکوفایی و بالندگی می برد. جوان نیز زیباست؛ عواطف جوشان، آرمان جویی، شور، نشاط و زیباخواهی فضای زندگی جوان را پر کرده است. نماز هم زیباست؛ فرصت زیبا شدن روح، پیوند با همه زیبایی، همه خوبی برای رسیدن به کرانه های کمال و جمال.



دید جوان قرار نگرفته است. روش‌های جذاب و زیبا در ایجاد گرایش و کشش به کار گرفته نشده و آنان که منادیان و ناشران فرهنگ نمازند، عمدتاً شیوه انتقال و ارتباط با جوان را نمی‌دانند. آیا يك هدیه زیبا را با خشونت، بی‌مهری، سردی و رفتاری غیرزیبا می‌توان عرضه کرد و به تأثیر و تحولی عمیق دل بست؟ اگر آموخته‌ایم که «مَنْ لَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَاب» این نه بدان معناست که تنها زبان کودکانه باید داشت که روش، منش و دانش ارتباط کودکانه را نیز باید به دست آورد. زبان، تنها کلام نیست که هر آنچه ابزار و زمینه ساز ارتباط است، «زبان» است. در «ارتباط» هماره چند عامل مهم و تعیین کننده وجود دارد که حذف یا نادیده گرفتن هر کدام به اختلال در ارتباط می‌انجامد.

ارکان ارتباط عبارت‌اند از:

۱- ارتباط گیرنده

۲- مخاطب ارتباط

۳- پیام ارتباط

۴- شیوه ارتباط

۵- ابزار ارتباط

ما عادت کرده‌ایم که در ناکامی‌های خود، بلافاصله مخاطب

را مقصر بدانیم و ناچاران و ناشران فرهنگ نمازند، عمدتاً روش‌های جذاب و زیبا را به کار گرفته نشده و آنان که منادیان و ناشران فرهنگ نمازند، عمدتاً شیوه انتقال و ارتباط با جوان را نمی‌دانند. آیا يك هدیه زیبا را با خشونت، بی‌مهری، سردی و رفتاری غیرزیبا می‌توان عرضه کرد و به تأثیر و تحولی عمیق دل بست؟

را متهم کنیم و به تبرئه خویش بپردازیم. اگر مخاطب از سخن و رفتار ما تأثیر نپذیرفت، در دادگاهی که به سادگی و سرعت تشکیل می‌دهیم، به داوری می‌پردازیم که حرف شنو نیست، حقیقت‌پذیر نیست، زیر بار نمی‌رود و در بیانی شکننده‌تر: نرود میخ آهنین در سنگ! اما کم شنیده‌ایم که شخص بگوید: نکند نقص در من باشد، نکند نحوه بیان من، محتوای بیان من و ابزاری که به کار گرفته‌ام نامناسب باشد. نکند ناساختگی من از تأثیر سخن کاسته است، که در اسلام همه چیز به شرط من است. تو کیستی که سخن می‌گویی؟ اگر جریان تهذیب و تقوا از قلمرو روح و قلبت عبور نکرده باشد، منتظر تأثیر می‌باش که: «مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مُوَعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزُلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا». هر کس به علم خویش عمل نکند موعظه و نصیحتش همچون لغزش قطرات باران از سطح سنگ لغزان، فرو خواهد ریخت (برقلب‌ها اثر نخواهد گذاشت). پس در بی‌تأثیری کلام، نخست باید در خود تردید کنیم، در روش‌ها، در منش‌ها و حتی در دانش خویش و بعد تعبیر لطیف و گویای امیر بلاغت: الْمُتَّقُونَ... فَهَمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ: تقوا پیشگان نفس خویش را متهم می‌دارند. بر همین اساس، تحلیل و نقد وضعیت موجود ارتباط ما با نسل جوان و یافتن راه‌کارها و روش‌های مناسب در گسترش و تعمیق فرهنگ نماز میان نسل جوان لازم است. در زمینه ارتباط با مخاطب‌های جوان به مرور برخی کاستی‌ها و ضعف‌ها می‌پردازیم و در حد توان و امکان روش‌هایی را پیشنهاد می‌کنیم.



پرتال جامع علوم انسانی

سریه ماهانه آموزشی - تربیتی  
شماره ۳۲۹ - ۱۳۸۵

در پرورش تحقیقات، به‌ویژه تحقیقاتی که در آموزش و پرورش انجام پذیرفته است، یکی از دلایل بی‌علاقگی و گریز دانش‌آموزان از نماز جماعت، سخنرانی‌های طولانی و تکراری مطرح شده است. باید خطبا و گویندگان برای ایراد سخنرانی‌های پنج تا ده دقیقه‌ای کوتاه، مفید، جذاب، مناسب و متناسب تمرین و ورزشی داشته باشند. به دیگر زبان، روح زیبا طلب جوان، کلام جوان، زیبا، رسا و کوتاه می‌طلبد.

۱- روان‌شناسان ارتباطات (COMMUNICATION)

را دارای دو بخش می‌دانند:

الف - هدایت کردن (LEADING)

ب - همدلی کردن (PACING)

ما معمولاً در هدایت کردن، نصیحت کردن و باب موعظه‌های کشدار و طولانی را گشودن قهرمانیم اما در همدلی نه، و به همین دلیل پل‌های ارتباط را می‌شکنیم و توان تأثیرگذاری را به حداقل می‌رسانیم. وقتی جوان احساس کند در موضع موعظه نشستیم و تنها از او «گوش» انتظار داریم، چیزی به نام «پذیرش و تسلیم» اتفاق نمی‌افتد. برای توفیق در ارتباط باید به «همدلی» رسید و همدلی نیازمند چند مسئله است:

- درک ذهن و ضمیر جوان

- انعطاف

- صبوری

درک شرایطی که جوان در آن به سر می‌برد، موقعیت روحی و روانی جوان و انعطاف یا به بیان قرآنی «تنزل» از دنیای خویش به دنیای جوان و صبوری در مقابل گفتار و رفتار او، شرایطی فراهم خواهد ساخت که جوان، قلبش را به ما بسپارد و در پی آن ذهن و اندیشه‌ی وی نیز کاملاً تسلیم ما شود. همه این مفاهیم را در این مفهوم قرآنی می‌توان خلاصه کرد که خداوند به پیامبرش فرمود: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ». اگر تند و خشن بودی، همه از دور و برت پراکنده می‌شدند.

غلظت قلب و عمل، رمندگی، زدگی، گریز و پرهیز می‌آفریند و میان ما و نسلی که دمی رها کردن آن باعث پرتاب شدن به پرتگاه‌های هولناک می‌شود، فاصله و دره ایجاد می‌کند.

۲- ما هندسه گفتن با جوانان را به خوبی نمی‌دانیم. پرگویی، درازگویی، مکررگویی‌های کسالت‌آور، سنت سیئه ماست. برای روشن شدن این موضوع اگر به پرسش‌هایی که از ائمه اطهار و مجموعه سخنرانی‌های روان‌شناسان و انسان

آشنایان بزرگ مراجعه کنیم خواهیم یافت که بسیاری از پاسخ‌ها به چند تائیه نمی‌رسد و بی‌شک اگر همین پرسش‌ها با ما مطرح شود باید منتظر سخنرانی‌ها و خطابه‌ها نشست! در مجموعه نهج‌البلاغه جز چند سخنرانی (خطبه) نسبتاً طولانی - با در نظر گرفتن حذف بخش‌هایی از خطبه - که از نظر زمانی خواندن هر یک از آن‌ها به نیم ساعت و در مواردی اندک به بیش از یک ساعت نمی‌رسد، بقیه خطبه‌ها در حدود ده دقیقه بیشتر نیستند. دقت در سوره‌های قرآن نیز گویای همین مسئله است. جامعه‌ای که در آغاز بعثت مخاطب پیامبر است - مکه - به دلیل ظرفیت محدود و کثش اندک ذهنی و روانی با سوره‌هایی مواجه است که نه تنها آهنگین، زیبا و قاطع‌اند که بسیار کوتاه نیز هستند، اما در مدینه که زمینه فراهم شده و ظرف وجودی مخاطب‌ها گسترش یافته، سوره‌های بلند مطرح می‌شود که البته خواندن آن‌ها نیز سه ندرت به یک ساعت می‌رسد! شاید تعبیر طنزگونه نویسنده‌ای خوش ذوق در مورد ما درست باشد که اگر العیاذبالله برخی از ما جای خدا بودیم از همان آسمان هفتم یک سره سیم‌کشی می‌کردیم به کرات پایین و بلندگویی خداپسندانان نصب می‌کردیم در وسط آسمان و زمین و یکسره برای عالم و آدم سخنرانی می‌کردیم! همین و بس! در برخی تحقیقات، به‌ویژه تحقیقاتی که در آموزش و پرورش انجام پذیرفته است، یکی از دلایل بی‌علاقگی و گریز دانش‌آموزان از نماز جماعت، سخنرانی‌های طولانی و تکراری مطرح شده است. باید خطبا و گویندگان برای ایراد سخنرانی‌های پنج تا ده دقیقه‌ای کوتاه، مفید، جذاب، مناسب و متناسب تمرین و ورزشی داشته باشند.

مسلان حساس و زودشکن اند. رؤیت فاصله میان آنان و بودن در جامعه زمینه رمندگی جوانان است. آن‌ها کمتر می‌توانند به تحلیل عمیق بپردازند و مرز میان راه و منتسبان به «راه» را دریابند. خیانت هیچ‌کس به اندازه آنان نیست که منتسب به دین و انقلاب‌بند و کج‌رو و بد عمل. اسلام در پی نمازی است که مدافع مکتب بسازد و به تعبیر روایت، «مسلمان را «زین» دین کند نه «شین» آن

به دیگر زبان، روح زیبا طلب جوان، کلام جوان، زیبا، رسا و کوتاه می‌طلبد.

۳- جوان از جوان بهتر و زودتر می‌پذیرد. با لحن جوان، هیأت جوان، برخورد جوان و مهم‌تر از هر چیز به دلیل نزدیکی بودن جهان احساسی، عاطفی و روحی دو جوان، تفهیم و تفاهم سریع‌تر اتفاق می‌افتد. ائمه جماعت بسیاری از مساجد پیرند و با دنیای جوان بیگانه. در این میان پیران خوش اندیش و خوش روش و توانایی می‌توان یافت، اما اگر به نوعی جوان‌گرایی دست بزنیم کارا و گره‌گشا خواهد بود. تفاوت نسل‌ها، کندی رفتار، طولانی کردن نماز، طرح مسائلی بیگانه با فضای امروز، میان مخاطب و گوینده فاصله می‌افکند. برخی دانش‌آموزان طولانی شدن نماز و عدم امکان ارتباط با ائمه جماعت سالمند را دلیل اجتناب از نماز جماعت دانسته‌اند.

زیبایی ظاهری و آراستگی نیز در این میانه بی‌تأثیر نیست. در مدارس متعددی شاهد هستیم که امام جماعت، توصیه قرآن در باب زینت خویش و آراستگی مناسب را در وقت نماز لحاظ نمی‌کند. همین جا طرح و تذکر این نکته لازم است که ائمه جماعت باید با مسائل تربیتی و روانی نسل جوان آشنا شوند. تغذیه مداوم آن‌ها در این زمینه از بایسته‌ترین کارهایی است که پرداختن به آن ضروری احساس می‌شود. بهتر است تعدادی کتاب مناسب در این زمینه‌ها به همه ائمه جماعت و هدایتگران فکری در مساجد و مدارس معرفی

شود و در صورت امکان در طول سال، در هر شهرستان، سمینارهای توجیهی برای ائمه جماعت و مبلغان برگزار شود.

۴- بهره‌گیری از زمان‌های خاص برای ارتباط عاطفی میان مدرسه و مسجد از سوی دیگر در جذب و جلب خانواده‌ها، به ویژه جوانان، مؤثر

است. در فرصت‌های عاطفی مانند عروسی، سفر حج، رفع ینک‌خطر و ولادت فرزند می‌توان به سراغ افرادی رفت که احیاناً با مسجد ارتباطی دارند. هدیه بردن به نام مسجد برای این افراد، گذشته از تحول در دیدگاه، عایق‌های میان خانه و مسجد را از میان بر می‌دارد. اگر در جشن مدرسه مجاور، شیرینی به شکل بسته‌بندی شده و با نام مسجد به دانش‌آموزان داده شود چه تأثیری خواهد گذاشت؟ اگر امام جماعت و هیأت امنای مسجد در مراسم مدرسه شرکت کنند چه فضای مناسبی ساخته خواهد شد؟ فراتر از این‌ها، اعضای مساجد می‌توانند در مدارس شرکت کنند، مثلاً در تعمیر میز و صندلی، گروه نجار مسجد همکاری کنند یا پزشک مسجد - اگر ممکن شود - با مدرسه مرتبط باشد. این‌ها بهانه‌های مقدسی برای برداشتن سدها و مانع‌ها میان مسجد و مدرسه است.

۵- مساجد از همان سردر، تا درون مسجد (صحن، محراب، فضا، دیوارها و...)، باید آراسته، پیراسته و جوان پسند باشند. از جاذبه‌های هنری و علمی در پیشانی مسجد استفاده شود. تابلوها و نوشته‌های زیبا و جذاب در مسجد باشد. نوشته‌های مساجد آن قدر تکراری و ناهمخوان با ذهن و ضمیر نوجوان و جوان است که رغبتی برای خواندن بر نمی‌انگیزد.

پاکیزگی، طراوت و زیبایی مسجد نیز مسئله مهمی است. برخی دانش‌آموزان بوی بد، فضای تنگ نمازخانه، فرش‌ها و موکت‌های آلوده را باعث بی‌رغبتی به نماز می‌دانند. به‌رغم تلاش‌های ارزنده و سازنده‌ای که در ساختن مسجدهای شایسته و مناسب در جاده‌ها شده است - خدایا خیر دهد - آن که این عمارت کرد - هنوز دخمه‌های تاریک، فرسوده، نور با موکت آلوده و فرسوده فراوان است.

از این گذشته مساجد جدید را باید به گونه‌ای ساخت که کانون همه فعالیت‌ها بتواند باشد. انحصار مسجد به نماز، خلاف سنت و سیره اسلامی است. مطالعه

عصر پیامبر نشان می‌دهد که مسجد همه چیز است؛ پایگاه تصمیم‌گیری اجتماعی، نظامی، سیاسی، عبادی و فرهنگی. باید هر مسجد یک مجتمع باشد. امکانات هنری، ورزشی، نمایشی، کتابخانه - با شیوه‌های نو - باید در کنار مسجد به عنوان جزئی از پیکره مسجد محسوب شود. در برنامه‌ریزی‌های آینده «بازسازی







مساجد» باید به این نکته توجه شود. اگر این امکانات در مسجد و «از» مسجد باشد، جوانان به مسجد راغب تر می شوند. از لحظه های ناب و خاص نیز استفاده کنیم. اگر در مساجد بین راهها و جاده ها، نوشته هایی مناسب نصب شود، ظنین آنها در ذهن مسافران، در طول راه که فرصت تأمل و تفکر بیشتر است، تأثیر مطلوب بر جای خواهد گذاشت. بسیاری از نمازخانه های بین راه از این جهت خالی و تهی اند.

در مساجد شهرها و نمازخانه مدارس و نهادها، می توان از گروه هایی استفاده کرد که به تناسب جملات زیبا و تأثیرگذاری نصب کنند بی آن که تنها جملات سیاسی، مکرر و معمولی به کار گرفته شود.

۶- نماز، به ویژه نماز اول وقت،

مصونیت روانی می آورد. پیامبر می فرماید: «لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ هَائِبًا لِابْنِ آدَمَ زَعْرَأْمُهُ مَا صَلَّى الصَّلَاةَ الْخُمْسَ لَوْ قَتَبَهُنَّ فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَادْخَلَهُ فِي الْعِظَامِ.»

شیطان تا هنگامی که انسان نمازش را در وقت فضیلت می خواند در خوف و وحشت است، ولی هرگاه نماز را اول وقت نخواند، شیطان جرئت فریب او را می یابد و او را به گناهان بزرگ و ا می دارد.

واقعیت این است که در خانواده ها چنین موضوعی کمتر رعایت می شود. اگر در مدارس، نهادها و ادارات، سنت نماز جماعت به هنگام برقرار باشد، بازتاب آن نوعی مصونیت و بازدارندگی و انضباط رفتاری خواهد شد. در مدارس به دلیل فقدان یا کمبود امکانات وضو گرفتن، به گونه ای باید

عمل کرد تا دانش آموزان فرصت وضو گرفتن داشته باشند. برخی دانش آموزان مشکل وضو گرفتن را در مدرسه به دلیل نبودن سرویس های بهداشتی کافی و شیرآب کافی، علت شرکت نکردن در نماز جماعت می دانند.

۷- جوانان حساس و

زودشکن اند. رؤیت فاصله میان گفتن و بودن در جامعه زمینه رمندگی جوانان است. آنها کمتر می توانند به تحلیل عمیق بپردازند و مرز میان راه و منتسبان به «راه» را دریابند. خیانت هیچ کس به اندازه آنانی نیست که منتسب به دین و انقلاب اند و کجرو و بد عمل. اسلام در پی نمازی است که مدافع مکتب بسازد و به تعبیر روایت، انسان را «زین» دین کند نه «شین» آن. باید همواره این نکته را به اولیا، معلمان و همه کسانی که چشم جوانان به آنان دوخته است یادآور شد که لغزش های ما، تباهی و انحراف یک نسل را در پی خواهد داشت و به همین دلیل اصلاح همیشه رفتار، بازنگری در خود و بازسازی و تصحیح اعمال هیچ گاه نباید فراموش شود. در بیانی رساتر و گویاتر، یادمان باشد که نماز زنگ تفریح زندگی نیست، هنگامه تصحیح زندگی است.

